

بررسی وضعیت فلسفه سیاسی در ایران

چکیده: مباحث فلسفه سیاسی طی چند سال اخیر در جامعه علمی ما برجسته و در برخی مراکز آموزشی و پژوهشی توجه افزون‌تری به آن شده است. از این رو جای طرح این پرسش باقی است که فلسفه سیاسی و فلسفه سیاسی اسلامی در ایران کنونی از چه جایگاه و منزلت و موقعیت و وضعیتی برخوردار است. نوشته حاضر - که به بازشناسی موقعیت و وضعیت فلسفه سیاسی در ایران پرداخته است - با فرض امکان فلسفه سیاسی اسلامی، در پی انجام مباحثی است که وضعیت پیشینی فلسفه سیاسی را در ایران روشن نماید و راه را برای حرکت‌های جدی پسینی در زمینه فلسفه سیاسی و فلسفه سیاسی اسلامی هموارتر کند. در ادامه پس از ارائه بحثی کوتاه درباره چیستی فلسفه سیاسی و جایگاه کنونی آن و نیز امکان یا امتناع فلسفه سیاسی اسلامی و منازعات و جدال‌های موجود در این زمینه، به بررسی عینی مباحثی از این قبیل پرداخته است: گروه‌های فلسفه سیاسی، دروس رشته و گرایش فلسفه سیاسی، مراکز آموزشی و پژوهشی، انجمن‌های علمی، فلسفه سیاسی و مراکز دینی و پایگاه‌های اینترنتی. اشاره اجمالی به برخی از تنگناها و چالش‌ها و طرح اجمالی چشم‌انداز آینده و انتظارات. کلید واژه‌ها: فلسفه سیاسی، فلسفه سیاسی اسلامی، امکان و امتناع فلسفه سیاسی، وضعیت فلسفه سیاسی، فلسفه سیاسی در ایران، چالش‌ها و تنگناها، چشم‌انداز.

* دانش‌آموخته حوزه علمیه و کارشناسی ارشد علوم سیاسی.



فلسفه سیاسی و تأمل در باب سیاست و امر سیاسی از موضوعاتی است که همواره در طول تاریخ اندیشه، توجه و تأمل فیلسوفان را برانگیخته است. پرسش‌هایی همانند سیاست چیست، فلسفه چیست، فیلسوف سیاسی چیست، نشانه‌های فلسفه سیاسی چیست، مسائل فلسفه سیاسی چیست و مسائلی از این دست، در شمار نخستین پرسش‌ها و البته پیچیده‌ترین آنها در حوزه فلسفه سیاسی است. بحث در نوع «رژیم مطلوب» و «کیستی حاکم» از مهم‌ترین و کهن‌ترین مباحثی است که در فلسفه سیاسی، سابقه در آثار افلاطون دارد.

تأمل درباره فلسفه سیاسی در سالیان اخیر در جامعه علمی ما برجسته‌تر شده است و در برخی مراکز آموزشی و پژوهشی توجه بیشتری به آن ابراز می‌شود. دلیل این امر، افزون بر شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه، این است که انسان برنامه‌های جمعی زیست خود را تغییر ناپذیر و جزء نظم طبیعی نمی‌داند و آن را به طور بالقوه قابل تغییر و در نتیجه نیازمند توجیه فلسفی تلقی می‌کند. از این رو است که در فرهنگ‌های مختلف وضعیت متفاوت و متنوعی نسبت به فلسفه سیاسی یافت می‌شود. شاید بتوان گفت یکی از دلایل آن، روش‌ها و رویکردهایی است که فیلسوفان سیاسی با توجه به بازتاب‌گرایش‌های فلسفی کلی عصر خود به کار می‌گیرند. برای مثال تحول در معرفت‌شناسی و اخلاق، مفروضاتی را که فلسفه سیاسی می‌تواند بر اساس آنها پیش‌برود، تغییر می‌دهد. از سوی دیگر در کنار مسائل اساسی و پرسش‌های جاودانی بشر، غالباً مطالعات فیلسوفان سیاسی بر اثر مسائل سیاسی روز تعیین می‌شود. از این رو دامنه و گستره آنها متفاوت و متنوع خواهد شد.

یکی دیگر از عوامل اصلی ظهور فلسفه سیاسی در یونان باستان، مهد فلسفه سیاسی، سست شدن فضای سنتی و نیز ضعف ارزش‌ها و هنجارهای حوزه سنت و عدم توانایی هنجارهای موجود برای مشروعیت‌بخشی به نظم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. در واقع وقتی سنت‌ها و هنجارها به پرسش گرفته می‌شوند، زمینه برای ظهور فلسفه سیاسی آغاز می‌شود. به دیگر سخن می‌توان گفت پاسخ به

نیازمندی‌های اساسی و معنوی انسان از یک سوی و بحران‌های موجود در جامعه و توجیه منطقی آنها نیازمند فلسفه سیاسی است.

امروزه بحث از فلسفه سیاسی، موضوعی مرتبط با شرایط جامعه معاصر ایران است که به اقتضای این شرایط، برخی از صاحب‌نظران در این خصوص سخن گفته‌اند. در این میان، پاره‌ای به امتناع فلسفه سیاسی در فضای فرهنگی ایران باور دارند و عده‌ای بر این باورند که طی دوره‌ای، نطفه‌هایی از فلسفه سیاسی در ایران منعقد شده، اما به سرعت رو به زوال نهاده است.

در این نگاه اخیر دوری و نزدیکی به فلسفه سیاسی یونان ملاک و معیار امتناع و امکان فلسفه سیاسی اسلامی و بومی است. از این رو هر قدر مباحثات سیاسی در ایران به فلسفه یونان نزدیک باشد، فلسفی شمرده می‌شود و هر اندازه از آن دور شود، از فلسفه فاصله گرفته است. از این رو است که فلسفه در حکمت متعالیه که با صدرالمتألهین آغاز می‌شود، اوج زوال فلسفه در ایران به شمار می‌رود و صدرالمتألهین فیلسوفی شمرده می‌شود که اساساً به تأمل در امر معاش دنیا نپرداخته است. در مقابل می‌توان به نگره‌هایی اشاره کرد که اعتقادی به زوال و نیز انحطاط اندیشه در ایران ندارد و به سعی و تلاش در اندیشه‌ورزی در باب حکمت متعالیه و تأسیس حکمت سیاسی متعالیه و سایر نیازمندی‌های روز جامعه ما می‌پردازد.

به هر حال، منازعه و جدال فکری میان دیدگاه‌های مذکور تداوم دارد. این عده امروز در صدد تمهید شرایطی هستند که پرونده فلسفه سیاسی را در ایران باز کنند. در این راستا ترسیم چارچوبی منسجم و چشم‌اندازی جامع از فلسفه سیاسی در ایران و جهان از لوازم فلسفه سیاسی است. در این میان، چنان که ذکر شد، نباید از یاد برد که فلسفه سیاسی به دلایل متعددی می‌تواند متفاوت و متنوع باشد و در هر جامعه‌ای بحثی مهم جلوه کند و فیلسوفان سیاسی در پی اندیشه‌ورزی و تأمل درباره آن باشند. با چنین نگرشی، فلسفه سیاسی در هر نقطه‌ای، به رغم اشتراکاتی که میان مباحث آن وجود دارد، بازتابی است از پرسش‌ها، خال‌ها و نیازمندی‌هایی که یک جامعه با آن مواجه است و فیلسوف سیاسی در پی پاسخ و برآورده ساختن آن است.

به نوشته یکی از صاحب نظران، بر حسب جنس فلسفه سیاسی و انتظار فیلسوفان از آن، تعاریف مختلف و گونه‌گونی از آن عرضه شده است. البته هر تعریف از فلسفه سیاسی در یک قالب کلی پی ریزی می‌شود. این قالب، ناظر به توضیح وضع موجود عرصه سیاست و ارائه وضع مطلوب آن است. به عبارت دیگر توصیف وضع موجود و پیشنهاد مطلوب، از الزامات پرداختن به فلسفه سیاسی است. بنابراین هر تعریفی از فلسفه سیاسی حداقل با یک «هست» و یک «باید» سر و کار دارد. جنس فلسفه سیاسی به صورتی است که نمی‌توان تنها به توصیف اکتفا کرد. در واقع فلسفه سیاسی گفتاری هنجاری در باب وضع ایده‌آل و نحوه رسیدن به آن وضع است. در چنین چارچوبی، برخی از تعاریف، فلسفه سیاسی را بسیار صوری و البته انتزاعی تصور کرده معتقدند، فلسفه سیاسی نقش و شأن چندانی ندارد؛ مگر اینکه کلام و بیان سیاسی را از ابهامات، تخیلات و پیچیدگی‌ها پیراسته و در خصوص آن تأمل کند.

نگاه دیگر در تعریف فلسفه سیاسی که در مقابل دیدگاه صوری قرار می‌گیرد، فلسفه سیاسی را مسبوق به محتوا و یافتن غایت‌ها و ارزش‌های عرصه سیاست قلمداد می‌کند. رویکردهای دیگری نیز در خصوص فلسفه سیاسی وجود دارد. به عنوان مثال برخی فلسفه سیاسی را به تعیین حدود و مشروعیت نظام سیاسی و دولت ناظر می‌دانند و عده‌ای دیگر با نگاهی وسیع‌تر آن را در امر عمومی و بهبود کیفیت آن در حوزه عمومی تسری می‌دهند.

به هر حال فلسفه سیاسی از هر منظری که مورد توجه و تعریف قرار گیرد در یک نقطه می‌توان گفت مشترک است و آن اینکه فلسفه سیاسی در خصوص بهترین شیوه حیات جمعی و نهادهای سیاسی و رسوم اجتماعی از قبیل نظام سیاسی و اقتصادی و الگوی زندگی جمعی و سیاسی به تأمل می‌پردازد. به دیگر سخن، فلسفه سیاسی، نظریه‌پردازی فلسفی است درباره چگونگی نظام دادن به زندگی اجتماعی و سیاسی و برپا ساختن نهادهای سیاسی و مدنی. افزون بر این، می‌توان فلسفه سیاسی را به بحث فیلسوفانه و انتزاعی در باب سیاست تعریف کرد. به عبارتی، فلسفه سیاسی، اندیشیدن به شیوه فیلسوفانه و انتزاعی در باب سیاست و زندگی در حوزه عمومی و سیاسی است.

فیلسوفان سیاسی در پی وضع اصول اولیه‌ای هستند که نوع خاصی از حکومت را توجیه کند؛ حقوق سلب‌نشده‌ی معین افراد را ثابت نماید و بگوید چگونه منابع مادی جامعه را باید میان اعضای آن توزیع کرد و... این مسئله به‌طور معمول مستلزم تحلیل و تفسیر مسائلی نظیر دولت، ملت، حاکمیت، تابعیت، آزادی، عدالت، برابری، اقتدار، مشروعیت، دموکراسی، نمایندگی و مواردی از این قبیل است. در این میان پاره‌ای از فیلسوفان سیاسی کوشش کرده‌اند تا نظام‌های حاکم بر جامعه خود را توجیه کنند و برخی نیز تصویری از یک حکومت آرمانی را ترسیم کرده‌اند که با زندگی و تجربه ما تفاوت دارد.

باید گفت جنس فلسفه سیاسی افلاطون در ترسیم نقشه کلی فلسفه سیاسی به نحوی ویژه و خاص است. شاخص اصلی فلسفه سیاسی افلاطون، وجه متافیزیکی آن است. افلاطون، پاسخ به پرسش‌های اصلی فلسفه سیاسی را از خود زمینه سیاسی آن استخراج نمی‌کند، بلکه پیشاپیش درکی جهان‌شناختی و مابعدالطبیعی از چند و چون جهان و هستی ارائه می‌دهد. افلاطون پیش از آنکه به مقوله سیاست و غایت نظام اجتماعی و «باید» این حوزه بپردازد، به «هست»‌ها می‌پردازد که این «هست»‌ها به سر و سامان جهان و نظام عالم اختصاص دارد. سامان و ترکیب نظام جهان زمینه‌ای به فیلسوف می‌دهد تا چگونگی اموری از عالم را که در حوزه تصمیمات و اختیار بشر قرار دارد، تبیین نماید. بنابراین چون فیلسوف از ترتیب نظام هستی و جوهر جهان و آنچه هست اطلاع دارد، بهتر از هر کس می‌داند که در حوزه اختیارات چه «باید» کرد و صورت راستینی که «باید» به آن رسید، چیست.

افلاطون از حوزه «هست» جهان‌شناختی به حوزه «باید» اخلاقی که امری عام و ناظر به تمام امور است، می‌رسد. این نگاه به فلسفه جهان و به صورت خاص فلسفه سیاسی مورد نقد ارسطو قرار می‌گیرد. این رویکرد متفاوت ارسطو، بنیاد بحث فلسفه‌های سیاسی پسامتافیزیکی معاصر است. به زعم ارسطو جوهر فلسفه سیاسی مهارت و قدرت تصمیم‌گیری است و نسخه‌ای عام برای اینکه کنش‌گر بداند چگونه امور را در عرصه سیاست سامان دهد، وجود ندارد. تنها قاعده‌ای تنظیم‌کننده وجود دارد و آن نیز منافع عموم است. در قرون جدید با هابز و لاک

جوهر قدرت از آسمان به زمین افتاد؛ اما الگوی دیگری از جهان‌شناسی متافیزیکی جایگزین نگاه گذشته شد.

درک فیلسوفان مدرن از ماهیت جهان و طبیعت به گونه‌ای متفاوت بود. جوهر نظریه فیلسوفان مدرنی چون هابز، لاک، روسو و به طور کلی اصحاب قرارداد، این است که برای سامان دادن به جامعه باید وضع طبیعی و پیشامدنی انسان را فرض کرد. به این صورت تفکیک بین وضع طبیعی و مدنی شکل می‌گیرد و تصور وضع طبیعی به کمک سامان دادن وضع مدنی می‌آید. در واقع یک وضع طبیعی وجود دارد که وضع مدنی ناظر به آن است. به این صورت یک متافیزیک و حکم کلی پیشینی برای ترسیم ماهیت نظم و سامان سیاسی متصور است. این موضوع تا کانت و هگل استمرار یافت تا اینکه از اواخر قرن نوزدهم فصل جدیدی از فلسفه‌های سیاسی به وجود آمد که به کلی از فلسفه‌های سیاسی متافیزیکال فاصله گرفتند. ریشه این فاصله گرفتن نیز در آرای کانت بود. کانت با رویکرد معرفت‌شناختی خود، بنیاد فهم متافیزیکی را برانداخت. با این رویکرد حتی فهم غیر متافیزیکال از دین نیز رواج یافت و الهیات متافیزیکی - دینی رنگ باخت.

برخی از پژوهشگران معتقد به حضور و وجود چهار روایت غیر متافیزیکال (پسامتافیزیکال) از فلسفه سیاسی اند که به صورت عام از اواخر قرن نوزدهم و به صورت خاص پس از جنگ جهانی دوم پا به عرصه گذاشته‌اند. این چهار روایت بدین قرارند:

۱. فلسفه‌های سیاسی مسبوق به ضرورت تاریخی: این فلسفه سیاسی، قرائتی نقاد از فلسفه هگلی است که به صورت کلی در سنت فلسفه چپ تجلی کرده است.
۲. فلسفه‌های سیاسی صوری: فلسفه‌های سیاسی صوری که به صورت عمده به سنت انگلوساکسون از فلسفه یا فلسفه تحلیلی تعلق دارند، دو جریان اصلی را شامل می‌شود. جریان اول، مدعی است که فلسفه سیاسی چیزی جز پرداختن روشن و صریح به مباحث حوزه سیاست نیست. جریان دوم، جریانی است که با کارهای جان راولز شناخته می‌شود و راولز در رأس آن قرار دارد. این جریان به این معنا صوری است که از بحث مفاهیم آغاز می‌کند و چندان به مختصات و ماهیت «هست»ها نمی‌پردازد. با این وصف باید گفت حیات مجدد فلسفه سیاسی در غرب و اندیشه غربی

محصول تلاش‌های جان راولز است. وی با انجام مباحث تئوریک خود درباره عدالت، جان تازه‌ای به بحث‌های فلسفی داد و موجبات رونق این مباحث را در غرب پدید آورد. البته انتقادات بسیاری بر کار وی شده است؛ به ویژه می‌توان از بحث پرده جهل وی یاد کرد و نیز برخی دیگر از مباحث وی که وجوه انتزاعی و یوتوپایی آن بسیار است. انتقادات وارد بر راولز تا اندازه‌ای زیاد است و همین خود نشان‌گر رونق مباحث فلسفه سیاسی در آخر قرن بیستم در غرب است.

۳. فلسفه‌های سیاسی تاکتیکیال: فلسفه‌های سیاسی تاکتیکیال یا فلسفه‌های عمل، به سنتی از فلسفه تعلق دارند که در مقابل سنت تحلیلی قرار می‌گیرند. از این موضع، فلسفه پدیدارشناختی رقیب سرسخت فلسفه تحلیلی است.

۴. فلسفه‌های سیاسی مبتنی بر متافیزیک حداقلی: مدافعان فلسفه‌های سیاسی مبتنی بر متافیزیک حداقلی، جماعت‌گرایانی چون مکینتایر و تیلور هستند. پروژه این دسته اساساً احیای آموزه‌های ارسطویی است؛ تا جایی که این گروه عرصه سیاست را نیز از منظر ارسطو بازخوانی می‌کنند.

در تداوم مباحث پیشین و در سیر تحول و تکامل فلسفه سیاسی باید افزود که به هر حال نمی‌توان در میان برداشت‌های مختلف، یک نگره مشترک درباره تعریف فلسفه سیاسی مشاهده کرد، اما با توجه به رویکردهای مختلف به فلسفه سیاسی می‌توان به مباحث دیگری نیز در تعریف فلسفه سیاسی اشاره کرد. اما به اجمال باید گفت خوانش‌های مختلفی از فلسفه سیاسی وجود دارد که تحلیل مفصل آنها خود به بحث مستقلی نیاز دارد. اما دیدگاه مشهور که خاستگاه فلسفه سیاسی را یونان باستان می‌داند، برای پرداختن به تاریخ فلسفه سیاسی نیز به یونان باستان رجوع می‌کند؛ برخلاف جریان دیگر که معتقد است دوری از فلسفه یونان باعث نمی‌شود که معتقد به زوال اندیشه در ایران شویم و خوانش فلسفه ایرانی - اسلامی، خوانشی متفاوت خواهد بود. افزون بر این مباحثی حول فلسفه سیاسی اسلامی در گرفته است که با اشاراتی، این بحث پی گرفته می‌شود.

درباره فلسفه سیاسی اسلامی، پرسش از امکان یا امتناع فلسفه و فلسفه سیاسی اسلامی جای طرح و بحث دارد. پاسخ‌های متفاوت و ناهمگونی به این پرسش داده شده است. پاره‌ای از صاحب‌نظران قائل به امتناع فلسفه سیاسی اسلامی شده و برای

آن ادله‌ای اقامه نموده‌اند. حاتم قادری در کتاب کم حجم خود، فلسفه سیاسی کلاسیک اسلامی، به این بحث پرداخته و فیلسوفان مسلمان را مقلدان فیلسوفان یونان شمرده است که تنها کارشان تزیین فلسفه با آیات قرآن و روایات ائمه بوده است.

برخی از اندیشمندان با ارائه تعریف‌هایی از فلسفه و فلسفه سیاسی بر این باورند که بر طبق پاره‌ای از تعاریف می‌توان فلسفه سیاسی داشت و بر اساس برخی از تعاریف‌ها نمی‌توان قائل به فلسفه سیاسی اسلامی گشت. در گفت‌وگویی که با حضور آقای مصطفی ملکیان انجام گرفت، ایشان ضمن توجه دادن به اینکه تعاریف‌های مختلفی از فلسفه سیاسی وجود دارد، امکان فلسفه سیاسی اسلامی بر اساس برخی از این تعاریف‌ها را مورد توجه قرار داد. ملکیان با طرح این بحث البته بر این باور است که آموزه‌های اسلامی، منابع مناسبی برای فلسفیدن آن هم از نوع سیاسی نیستند.

از این دو دیدگاه که بگذریم، برخی دیگر از متفکران مسلمان معاصر، نظیر سید حسین نصر، معتقد است که می‌توان از فلسفه و به تبع از فلسفه سیاسی اسلامی سخن گفت و برای آن اقامه استدلال کرد. یکی از استدلال‌های آنان این است که فلسفه اسلامی دارای نشانه‌های خاصی است که آن را از فلسفه‌های مشابه و یونانی جدا می‌کند؛ زیرا این فلسفه علاوه بر استفاده از عقل و به کارگیری آن در مباحث خود - که ویژگی بارز همه مباحث فلسفی است - مبتنی بر آموزه‌های دینی است. از این رو مصادیق و نشانه‌های خاصی می‌باید که از فلسفه‌های رقیب جدا می‌شود.

دیدگاه دیگری نیز بر این باور است که با توجه به تعریف فلسفه سیاسی، می‌توان گفت که می‌توان و حتماً فلسفه سیاسی اسلامی داریم و از قضا کامل‌ترین نوع فلسفه و فلسفه سیاسی را می‌توان در آموزه‌های دینی سراغ گرفت؛ بدون اینکه اصالت آن را خدشه‌دار نمود و آن را طفیلی فلسفه یونان باستان به شمار آورد. علی‌رضا صدرا در گفت‌وگویی مبسوط، از این نظریه سخت دفاع کرده است.

این هر دو نگره مذکور، البته، با چالش‌ها و تنگناهایی مواجه است. گرچه آنان که با ذکر تعاریف مختلف سعی در تخفیف وجهه فلسفه سیاسی اسلامی دارند، اما با توجه به نوع مباحث آنان می‌توان عدم امکان فلسفه سیاسی اسلامی را در سخنان آنان به صورتی واضح و آشکار احساس کرد. در مقابل کسانی که فلسفه سیاسی

اسلامی را کامل‌ترین فلسفه سیاسی ارزیابی می‌کنند نیز در ارائه یک بحث مستوفی و اقناعی عاجز بوده و صرفاً مدعیات خود را تکرار می‌کنند و تقریباً به ندرت صاحب نظر دیگری آنان را در این زمینه همراهی می‌کند.

از سوی دیگر آنان که به انکار وجهه فلسفه سیاسی اسلامی می‌پردازند و فیلسوفانی را که متصف به مسلمانی هستند، صرفاً مقلدان چیره دستی در فراگیری فلسفه یونانی می‌دانند گویا از یاد می‌برند که پاره‌ای از مباحثی که در فلسفه و فلسفه سیاسی اسلامی طرح شده است کاملاً با آنچه در یونان وجود داشته است متمایز است و فی الواقع چیزی دیگر است. آن کجا و این کجا. این فلسفه با توجه به وجه بارز برهانی و استدلالی بودن آن برخاسته از فرهنگ و سرزمینی دیگر است و البته باید هم متمایز از آن فلسفه‌ای باشد که در یونان باستان سراغ داریم.

مباحث و دیدگاه‌های پیش گفته هر یک به نوعی با شدت و ضعف، ناتمام و مورد انکار رقیبان قرار گرفته است. اگر از زاویه دیگری به بحث نگاهی افکنده شود، می‌توان گفت که فلسفه سیاسی نیز بدون هیچ گونه داوری ارزشی، در حوزه مباحثی قرار می‌گیرد که بشر با آن مواجه بوده است. با توجه به نشانه بارز فلسفه، که همانا عقلی و برهانی و استدلالی بودن آن است، باید گفت که این نشانه یک وجه بشری است. وقتی بشری شد، می‌تواند هم نسبتی با آموزه‌های دینی داشته باشد و هم اینکه هیچ نسبتی نداشته باشد.

در واقع می‌توان گفت که فلسفه سیاسی در شمار دانش‌های بشری و معطوف به این است که چه کسی و در کجا و با چه شرایطی از آن بهره‌گیری کند و از این رو رنگ و بوی خاصی به خود گرفته و با آن مشخصه‌ها از فلسفه‌های دیگر تمایز می‌یابد. این تمایز به گونه‌ای است که وقتی یک مسلمان در حال به کارگیری آن است رنگ و بوی دینی و آموزه‌های وحیانی و اسلامی را به خود گرفته و با آیات و روایات همراه گشته است. از سوی دیگر اگر یک غربی و نامسلمان هم چنین فلسفه‌ای را به کار گیرد، همانا رنگ و بوی شرایط و اقتضات خاص خود را به آن می‌بخشد و طبیعتاً با آن متفاوت خواهد بود.

به این ترتیب این گونه به نظر می‌رسد که دعوی اسلامی بودن و نبودن فلسفه و فلسفه سیاسی و نیز امکان یا امتناع فلسفه و فلسفه سیاسی دعوی بی‌حاصلی خواهد

گشت که فایده علمی و عملی خاصی در پشت آن پنهان نشده است. می توان بدون آنکه گرفتار چنین منازعات بی حاصلی شد، این بحث را از منظری به کار برد که نتایج ملموس تری به ما اعطا کند و در مباحثات علمی به جامعه علمی مساعدت های بی شماری نماید.

طبیعی است در چنین فرایندی اگر یک مسلمان به بحث های فلسفی و فلسفه سیاسی بپردازد، با توجه به نوع مباحث او می توان گفت این فلسفه و فلسفه سیاسی یک فلسفه و فلسفه سیاسی اسلامی است. بنابراین می توان از قید یا وصف اسلامی برای فلسفه و فلسفه سیاسی بدون هیچ گونه بیم و هراسی بهره برد. فلسفه و فلسفه سیاسی، برآمده از دنیای جدید نیست که گفته شود این مفهوم و دانش از اقتضائات مدرنیته است و نمی توان وصف یا قید اسلامی را به آن افزود. قدمت فلسفه چه اسلامی و چه غیر اسلامی آن به قرن ها و دهه های بسیار پیشین می رسد و حداقل عمری به درازای عمر بشر دارد.

با این وصف گفت و گو درباره امکان و امتناع فلسفه سیاسی اسلامی یک بحث زنده در برخی محافل علمی است و صاحب نظران با ارائه مباحثی از دیدگاه خود در این زمینه دفاع می کند. لازم است اشاره کنم که گروه فلسفه سیاسی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در طی سال های اخیر مباحثات و نشست های مختلفی با صاحب نظران در این باره ترتیب داده است. این نشست ها گرچه دارای اعتبار و غنای علمی بوده است، اما به نظر می رسد که در پیش بردن مباحث فلسفه سیاسی اسلامی مساعدتی نکرده است و بلکه در کند کردن راه و مسیر عبور نیز موانعی را چیده است.

نوشته حاضر با فرض امکان فلسفه سیاسی اسلامی، با همان تفسیر اخیر، در پی انجام مباحثی است که وضعیت فلسفه سیاسی را روشن نماید و راه را برای مطالعات و پژوهش های پسینی در زمینه فلسفه سیاسی و فلسفه سیاسی اسلامی هموار نماید.

گروه های فلسفه سیاسی

مطالعات نشان می دهد به غیر از یک مرکز پژوهشی در هیچ یک از مراکز آموزشی و پژوهشی داخل کشور گروهی با عنوان فلسفه سیاسی فعالیت ندارد. تنها گروهی که با این عنوان مشغول فعالیت است، گروه فلسفه سیاسی، یکی از گروه های مصوب

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی است که به طور خاص در زمینه فلسفه سیاسی به فعالیت اشتغال دارد.

اعضای گروه فلسفه سیاسی و همکاران پژوهشی آنها در حوزه‌ها و قلمروهای عام پژوهشی نظیر فلسفه سیاسی، کلام سیاسی، عرفان سیاسی، اخلاق سیاسی، انسان‌شناسی سیاسی، روش‌شناسی سیاسی و معرفت‌شناسی سیاسی به فعالیت و پژوهش اشتغال داشته، و در اولویت‌های موضوعی زیر پژوهش‌های خود را سامان می‌دهند: جریان‌های فلسفه سیاسی معاصر در ایران، معضلات فلسفه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، فلسفه سیاسی معاصر در جهان اسلام، فلسفه سیاسی معاصر غرب، مباحث جدید روش‌شناختی و نقد تراث سیاسی.

مباحث و گرایش‌های مذکور در گروه فلسفه سیاسی در حال بازخوانی و پردازش مجدد است؛ به‌ویژه با توجه به اینکه پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در حال تدوین برنامه و سند چشم‌انداز بیست‌ساله پژوهشی پژوهشکده است.

پژوهشگران و اعضای گروه فلسفه سیاسی در کنار دیگر گروه‌های پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی تاکنون طرح‌های پژوهشی و فعالیت‌های بسیاری را به انجام رسانده‌اند که عناوین و فهرست این تلاش‌ها در بخش معرفی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی به تفصیل آمده است.

دروس رشته فلسفه سیاسی

در ایران رشته‌ای با نام فلسفه سیاسی وجود ندارد. با این وصف از درس‌هایی در مقاطع مختلف دانشگاهی می‌توان نام برد که در زمینه فلسفه سیاسی است. به تازگی در پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی طرح پیشنهادی رشته اندیشه سیاسی در سه سطح حوزوی: سطح دوم (کارشناسی)، سطح سوم (کارشناسی ارشد) و سطح چهارم (دکترا) تهیه و تدوین شده است. یکی از گرایش‌های اصلی این رشته در دو مقطع کارشناسی ارشد و دکترا گرایش فلسفه سیاسی است. در ادامه برخی دروس مرتبط با گرایش فلسفه سیاسی و نیز گرایش فلسفه سیاسی در دو مقطع مذکور ارائه می‌شود.

دروس گرایش فلسفه سیاسی در سطح سه: اندیشه سیاسی در ایران قبل از اسلام و شرق باستان، ۲ واحد؛ فلسفه سیاسی در اسلام (الف)، ۲ واحد؛ فلسفه سیاسی در

اسلام (ب)، ۲ واحد؛ فلسفه سیاسی در اسلام (ج)، ۲ واحد؛ سمینار مسائل فلسفه سیاسی، ۲ واحد؛ شرق شناسی و فلسفه سیاسی اسلامی، ۲ واحد؛ مبانی فلسفه سیاسی اسلامی؛ روش شناسی فلسفه سیاسی اسلامی، ۲ واحد؛ گرایش های جدید در فلسفه سیاسی غرب، ۲ واحد؛ تاریخ فلسفه سیاسی، ۲ واحد؛ متون فلسفه سیاسی به زبان عربی، ۲ واحد؛ فلسفه سیاسی امام خمینی، ۲ واحد.

دروس گرایش فلسفه سیاسی در سطح چهارم: سمینار مفاهیم فلسفه سیاسی، ۲ واحد؛ سمینار فلسفه سیاسی فیلسوفان مسلمان، ۲ واحد؛ سمینار منابع فلسفه سیاسی، ۲ واحد؛ سمینار مکاتب فلسفه سیاسی، ۲ واحد؛ سمینار روش شناسی فلسفه سیاسی، ۲ واحد؛ سمینار فلسفه سیاسی مشاء، ۲ واحد؛ سمینار فلسفه سیاسی اشراق، ۲ واحد؛ سمینار فلسفه سیاسی متعالیه، ۲ واحد؛ سمینار فلسفه سیاسی معاصر، ۲ واحد؛ تحقیق مستقل در باب فلسفه سیاسی اسلام، ۲ واحد؛ فلسفه سیاسی و مسائل فکری نوپدید، ۲ واحد.

گفتنی است پیش از این در مرداد ۱۳۷۸ رشته اندیشه سیاسی در اسلام در مقطع کارشناسی ارشد به تصویب شورای عالی برنامه ریزی وزارت علوم رسید. دروس این رشته عبارتند از:

دروس اختصاصی: اندیشه سیاسی در ایران قبل از اسلام و شرق باستان، ۲ واحد؛ اندیشه سیاسی در اسلام (الف)، ۲ واحد؛ اندیشه سیاسی در اسلام (ب)، ۲ واحد؛ اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ۲ واحد؛ بررسی آثار و اندیشه سیاسی امام خمینی (س)، ۲ واحد؛ مباحث نظری اندیشه سیاسی غرب، ۲ واحد؛ تبیین اندیشه های سیاسی، ۲ واحد؛ پایان نامه، ۸ واحد.

دروس پایه: شناخت اندیشه های سیاسی، ۲ واحد؛ مباحث نقلی اندیشه سیاسی در اسلام، ۲ واحد؛ مباحث عقلی اندیشه سیاسی در اسلام، ۲ واحد.

دروس اختیاری: مبانی فکری جنبش های سیاسی در جهان اسلام، ۲ واحد؛ فلسفه سیاسی انقلاب، ۲ واحد؛ سمینار بررسی موضوعی اندیشه های سیاسی در اسلام، ۲ واحد؛ گرایش های جدید در اندیشه سیاسی غرب، ۲ واحد.

دروس تخصصی گرایش اندیشه سیاسی دوره دکترای علوم سیاسی دانشگاه تهران: اندیشه سیاسی ایران باستان، ۲ واحد؛ اندیشه سیاسی در ایران معاصر، ۲ واحد؛

اندیشه سیاسی غرب تا قرن ۲۰، ۲ واحد؛ اندیشه سیاسی غرب معاصر، ۲ واحد؛ اندیشه سیاسی در اسلام و ایران (دوره میانه)، ۲ واحد؛ اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ۲ واحد؛ نظریه‌ها و فرایندهای سیاسی غرب، ۲ واحد؛ نظریه‌های سیاسی جدید در اسلام و غرب، ۲ واحد؛ روش‌شناسی اندیشه سیاسی (غرب، ایران و اسلام)، ۲ واحد؛ اندیشه سیاسی و فضای زیست، ۲ واحد.

مراکز آموزشی و پژوهشی

مراکزی که در بخش‌هایی از فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خود به صورت غیر متمرکز به این موضوع می‌پردازند، عبارتند از: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران؛ دانشگاه امام صادق؛ دانشگاه تربیت مدرس تهران؛ دانشگاه شهید بهشتی؛ دانشگاه علامه طباطبایی؛ دانشگاه مفید؛ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم؛ پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی؛ پژوهشکده فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ کرسی مطالعات حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو با همکاری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی؛ مرکز پژوهشی تهران؛ مرکز تحقیقات حکومت اسلامی، مرکز مطالعات اسلامی مگ کیل کانادا با همکاری دانشگاه تهران؛ مرکز مطالعات دانشگاه امام صادق؛ مرکز مطالعات راهبردی (تهران)؛ معاونت پژوهشی دانشگاه باقر العلوم؛ معاونت پژوهشی دانشگاه مفید و ...

در این میان گروه فلسفه سیاسی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی تنها مرکزی است که به صورت متمرکز و تخصصی، مسائل و مباحث فلسفه سیاسی را در گرایش‌های متنوع در کانون برنامه‌های خود قرار داده است.

انجمن‌های علمی

نه فقط در زمینه انجمن‌های فلسفه سیاسی، که در باب انجمن‌های عام در حوزه علوم سیاسی نیز با فقر شدیدی مواجه هستیم و در این زمینه نمی‌توان از انجمن خاصی یاد کرد. در سال‌های اخیر تلاش‌هایی صورت گرفته است که انجمن‌هایی در زمینه

مطالعات سیاسی شکل گیرد. یکی از این دست، انجمن علوم سیاسی است که در تهران و به همت برخی اساتید رشته علوم سیاسی راه اندازی شده است. طبیعی است که برخی از کارهای علمی این انجمن در زمینه فلسفه سیاسی است. گو اینکه تاکنون کاری که قابل اشاره باشد از سوی این انجمن انجام نگرفته است. مورد دیگری که می توان در این زمینه اشاره کرد، تأسیس انجمن مطالعات سیاسی با همت برخی دانش آموختگان حوزوی رشته علوم سیاسی و با حمایت معاونت پژوهشی حوزه علمیه قم است. برخی از برنامه های علمی این انجمن - در زمینه فلسفه سیاسی خواهد بود. اطلاعات بیشتری از این انجمن در بخش معرفی مراکز آمده است.

به جز موارد مذکور، انجمن علمی ثبت شده ای را در زمینه علوم سیاسی نمی توان نام برد. البته به صورت غیر ثبت شده می توان از برخی محفل های علمی دوستانه یاد کرد که در زمینه فلسفه سیاسی نیز فعالیت هایی انجام می دهند.

فلسفه سیاسی و مراکز دینی

از مباحثی که تاکنون درباره فلسفه سیاسی گفته آمد، می توان گفت که به رغم فقدان مراکز آموزشی و پژوهشی رسمی در نهاد حوزه علمیه، به تازگی کارهایی در جهت تغییر شرایط موجود در حرکت از فقه به فلسفه و فلسفه سیاسی مهیا و تمهیداتی اندیشه شده است. در همین زمینه از مراکزی نیز می توان یاد کرد که درون حوزه علمیه تا اندازه ای به مباحث فلسفه سیاسی توجه دارند و کارهایی در این زمینه انجام می دهند. این مراکز، گرچه ارتباط ساختاری با نهاد حوزه علمیه ندارند، اما غالب نیروهای پژوهشی آنها را دانش آموختگان حوزه علمیه تشکیل می دهند. برخی از این مراکز عبارتند از: پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی (که ظرفیت مطلوبی را برای تأسیس گرایش های مختلف در رشته و زمینه فلسفه سیاسی دارا می باشد)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم، دانشگاه مفید و

از آنجا که فضای عمومی حوزه علمیه پس از انقلاب اسلامی به شدت به سیاست متمایل شد و ایده مقبول همراهی سیاست و دیانت به وسیله نیازهای عینی جمهوری اسلامی تشدید گشت، مجموع عوامل ذهنی و عینی در حوزه پس از

انقلاب دست به دست هم داده، باعث شدند که اغلب مراکز تحقیقاتی حوزه علمیه قم، قلمرو سیاست را نیز در حوزه پژوهشی خود قرار دهند. از این رو گرچه از مراکزی که به طور مستقل درباره سیاست تحقیق می کنند می توان آماری ارائه داد، اما به درستی تعداد همه مراکز پژوهشی که به صورت غیرمستقل در قلمرو سیاست فعالیت می کنند، معلوم نیست.

در مورد آموزش سیاسی نیز فعالیت های اولیه مانند بخش پژوهش به صورت غیررسمی آغاز شد، اما برخلاف قلمرو پژوهش بسیار زودتر شکل رسمی به خود گرفت. سابقه تأسیس مراکز آموزش سیاسی رسمی به اوان انقلاب اسلامی و دوره انقلاب فرهنگی باز می گردد. یکی از تصورات رایج این دوران برای اسلامی کردن علوم انسانی همکاری حوزه و دانشگاه بود که این ایده به شکل سازمانی نیز تجسم یافت. استراتژی دیگر در این مورد تأسیس مراکز حوزوی - دانشگاهی بود. دانشگاه امام صادق (ع) در تهران و مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم، دانشگاه مفید و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در قم تحقق سازمانی این ایده می باشند.

نشریه ها

مناسفانه در ایران مجله ای که به صورت اختصاصی به موضوع فلسفه سیاسی بپردازد، منتشر نمی شود. تنها نشریه ای که تاکنون به انتشار ویژه نامه ای تحت عنوان فلسفه سیاسی مبادرت کرده، فصلنامه علوم سیاسی است. البته گروهی از مجلات سیاسی - دینی، در برخی شماره های خود مقالاتی را درباره فلسفه سیاسی درج کرده اند، از جمله: اطلاعات سیاسی اقتصادی، اندیشه حوزه (مشهد)، پژوهشنامه متین، فرهنگ توسعه، ارغنون، اندیشه سیاسی، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق، حضور، حقوق و علوم سیاسی، حکومت اسلامی، حوزه اصفهان، حوزه و دانشگاه، راهبرد، سروش اندیشه، علوم سیاسی، فرهنگ اندیشه، کتاب نقد، مطالعات راهبردی، نامه فرهنگ، نامه مفید، نقد و نظر، کتاب ماه (علوم اجتماعی)، فلسفه و ادبیات و دین)، کیان، گفتمان، معرفت، نامه فلسفه، نامه مدرس، نگاه نو.

تعدادی از مجلات یادشده در بخشی از این ویژه نامه معرفی و در پایان آن نشانی اینترنتی نشریات خارجی نیز آمده است.



پایگاه‌های اینترنتی

اگرچه هیچ یک از پایگاه‌های اینترنتی فارسی مستقلاً مباحث فلسفه سیاسی را بر نمی‌رساند، اما برخی پایگاه‌ها هر از گاه مباحثی را در این زمینه منتشر می‌کنند؛ از جمله:

آزادی و فضیلت: www.sharifl.persianblog.com

اندیشه سیاسی: www.sina80.persianblog.com

باشگاه اندیشه (وابسته به کانون اندیشه جوان): www.bashgah.net

تازه‌های تحقیق، (وزارت علوم و فناوری) www.Magiran.com

دانش سیاسی اسلام: www.iranpolitics.com

سازمان مرکز آمار ایران: www.Irandoc.com

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی: www.islamic-iict.org/default.htm

فلسفه: www.fallosafah.org/main

فلسفه سیاسی: www.rezvani.blogfa.com/www.rezvani.persianblog.com

المعهد العالمی للفکر الاسلامی: www.iiitaiit.com

CD کتابخانه ملی، فصلنامه علوم سیاسی و نشریه نمایه از جمله نرم افزارهایی هستند که در این زمینه می‌توان از آنها بهره برد.

تنگناها و چالش‌ها

- فقدان نیروی انسانی کارآمد برای انجام مطالعات و پژوهش‌های مناسب.
- ضعف‌های مدیریتی، ساختاری و اداری.
- فقدان حمایت‌های علمی لازم و مناسب از سوی نهادهای پشتیبان. در بسیاری از مواقع افرادی برای این حوزه و نیز حوزه علوم انسانی تصمیم‌گیری می‌کنند که درک و فهم آنان از مطالعات فلسفه سیاسی اندک و یا هیچ است. از این رو با برنامه‌های مناسب و مطلوب برای این حوزه برخورد موجه و درستی صورت نمی‌گیرد.
- عدم ارتباط میان این حوزه مطالعاتی و بخش‌های تصمیم‌گیری کلان و مدیریتی کشور. خاطر نشان می‌شود - چنان که اشاره شد - بسیاری از افرادی که برای

حوزه علوم انسانی در کشور تصمیم‌گیری می‌کنند و در بخش‌های مدیریتی کلان به کار مشغولند، نه تنها با مطالعات فلسفه سیاسی بیگانه‌اند، بلکه با مباحث علوم انسانی آشنایی چندانی ندارند.

● بحران‌های مالی و عدم حمایت جدی در استمرار و بقای مراکز پژوهشی و محققان این حوزه.

● بیگانگی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه با مطالعات فلسفه سیاسی. در حوزه‌های علمیه بیشتر به مباحث فقه و تا حدودی فقه سیاسی توجه شده است تا فلسفه سیاسی.

● بسنده کردن به مباحث ترجمه و عدم ورود و توجه به مطالعات بومی در حوزه فلسفه سیاسی.

● فقدان استراتژی ملی در جهت تقویت و بالندگی حوزه مطالعاتی فلسفی و فلسفه سیاسی.

چشم‌انداز آینده و انتظارات

یکی از مهم‌ترین مشکلات مباحث فلسفه سیاسی ناشی از نگرشی است که متأسفانه نسبت به دانش علوم انسانی در ایران وجود دارد. در ایران پس از ورود دانش تجربی جدید نگرشی به وجود آمد که دانش تجربی را برتر نشانند. از این رو حوزه دانشی علوم انسانی را به محاق فرو برد؛ به‌ویژه اینکه در طول یک صد سال اخیر مدیران و سیاستمداران نظام سیاسی عمدتاً با دانش علوم انسانی بی‌ارتباط بوده و از دانش آموختگان سایر حوزه‌های دانشی و به‌ویژه دانش تجربی و پزشکی بوده‌اند. از این رو نه فقط اهمیت لازم به دانش علوم انسانی داده نشده است، بلکه پژوهش‌ها و مطالعات این رشته را در جامعه کم‌ارزش و کم‌قدر نمایانده است. وضعیت آموزشی و نظام آموزشی نیز این نگرش را تشدید کرده است. به نظر می‌رسد در مرحله نخست باید نگرش‌ها را به حوزه دانشی علوم انسانی تصحیح کرد و آنگاه به وضعیت دانش فلسفه و فلسفه سیاسی پرداخت تا این رشته رونق گیرد.

نکته دیگر تصحیح وضعیت آموزش و تحصیل در مدارس و آن هم در سطوح پایین است. برای رونق مباحث فلسفی و فلسفه سیاسی می‌بایست شیوه‌های آموزشی



جدیدی جایگزین شیوه‌های ناکارآمد کنونی شود. در شرایط کنونی دانش‌آموخته‌مدارس و حتی دانشگاه‌های ما پرسش‌گر و منتقد پرورش نمی‌یابد. روحیه پرسش‌گری در محیط‌های آموزشی می‌تواند در ایجاد زمینه و بسط و رونق مباحث فلسفه سیاسی مساعدت نماید. در ادامه نکاتی برای بهبود و بیان چشم‌اندازها و انتظارات بیان می‌شود:

● از آنجا که مراکز آموزشی و پژوهشی حوزوی و دانشگاهی فاقد گرایش و رشته‌ای با عنوان فلسفه سیاسی اند، به نظر می‌رسد در مرحله نخست تأسیس گرایش و پس از آن تأسیس رشته مستقل در زمینه فلسفه سیاسی ضروری و لازم و مفید است. تأسیس گروه‌های پژوهشی در زمینه فلسفه سیاسی، لازم و ضروری و سرآغاز و منشأ تحول در این گرایش است.

● مراکز آموزشی و پژوهشی حوزه علمیه و مراکز وابسته و نزدیک به حوزه در زمینه آموزش و پژوهش می‌توانند نقش عمده‌ای داشته باشند. به هر حال تقویت آنچه در حال حاضر وجود دارد، می‌تواند بسیار سودبخش باشد و این حوزه مطالعاتی را بسط و گسترش دهد و زمینه را برای تأسیس گرایش‌های متناسب و رشته فلسفه سیاسی فراهم سازد.

● لازم و ضروری است جهت آشنایی دانشجویان با مباحث فلسفه سیاسی، درس‌های مستقلی طراحی و اجرا شود تا زمینه گسترش حوزه مطالعاتی فلسفه سیاسی فراهم گردد. در این زمینه به نظر می‌رسد تعریف دروس اندیشه سیاسی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد با گرایش‌هایی در زمینه فلسفه سیاسی تغییر یابد تا زمینه بسط این گرایش فراهم شود.

● تأسیس انجمن‌هایی در این حوزه نظیر انجمن مطالعات سیاسی و نیز انجمن علوم سیاسی از ظرفیت بالایی موجود در نیروهای تحصیل کرده حوزه علمیه و دانشگاه حکایت دارد. بدین رو جا دارد ساختار لازم برای بهره‌برداری از این ظرفیت ایجاد شود. راه‌اندازی انجمن‌ها یکی از عرصه‌های فعالیت در زمینه فلسفه سیاسی است که به خوبی ظرفیت‌های موجود در دانش‌آموختگان این رشته را جذب می‌کند.

● انتشار کتاب و نشریات مستقل در زمینه فلسفه سیاسی و ارتقای نوشته‌های نشریاتی که در حال حاضر در زمینه فلسفه سیاسی مباحثی را منتشر می‌کنند، می‌تواند

موجبات بسط و گسترش حوزه مطالعاتی فلسفه سیاسی را فراهم سازد.

● برگزاری همایش‌ها و نشست‌های علمی در زمینه فلسفه سیاسی و برگزاری دوره‌های تربیت پژوهشگر در مراکز پژوهشی می‌تواند خلأ محقق را در سال‌های آتی پر نماید. از این رو ضروری است مراکز پژوهشی به این مسئله توجه ویژه داشته، زمینه پرورش پژوهشگر را در زمینه فلسفه سیاسی فراهم سازند.

● از آنجا که خصلت کارهای فلسفی، چون و چرا کردن است، لازم و ضروری است که به الزامات خاص فعالیت در زمینه فلسفه سیاسی توجه و شرایطی فراهم شود که محققان این حوزه مطالعاتی با فراغت بیشتر به امر پژوهش بپردازند، به ویژه می‌توان به موضوع تأمین و تضمین آزادی، تحقق امنیت و آرامش، تأمین معیشت و... اشاره کرد.

● زمینه‌سازی جهت تولید دانش بومی نیازمند کارهای جدی غیرترجمه‌ای است. از این رو لازم است در کنار ترجمه متون خارجی، به مسئله ابداع و تولید دانش بومی فلسفه سیاسی توجه ویژه کرد و به سمتی رفت که تولیدات مکتوب بومی بر تولیدات ترجمه‌ای و غیربومی پیشی گیرد. در این زمینه لازم است مراکز خاصی تأسیس و به پشتیبانی تولیدات بومی بپردازد.

● بسط حوزه مطالعاتی فلسفه سیاسی نیازمند توجه ویژه به فرهنگ بومی - اسلامی است. برای اینکه پژوهشگران حوزه فلسفه سیاسی به تولید دانش بومی رغبت نشان دهند و دست به نظریه پردازی بزنند، ضروری و لازم است فرهنگ دینی - ملی مورد توجه قرار گیرد و فضای تنفس علمی محققان این حوزه، فضای علم برخاسته از محیط و شرایط و نیازهای جامعه ما باشد و بازتاب‌دهنده فضاهای نامربوط و غیربومی نباشد.

● اعطای امتیازات و کمک‌های مالی و حمایت از رساله‌های حوزوی و دانشگاهی در جهت بسط حوزه مطالعاتی فلسفه سیاسی و نیز حمایت مؤثر از محصولات علمی این حوزه می‌تواند کمک کند.

● توسعه حوزه‌های پژوهشی مربوط به فلسفه سیاسی، شامل برگزاری همایش‌های تخصصی، کنفرانس، نشست‌های علمی، نقد آثار منتشر شده در حوزه فلسفه سیاسی، همایش‌های تخصصی برای معرفی مباحث فلسفه سیاسی و توسعه

مبانی نظری و تعاریف مشترک و جامع از مفاهیم، حمایت از تألیفات و ترجمه‌ها، ایجاد امکان اشتراک مجلات علمی و پژوهشی به زبان‌های مختلف در زمینه فلسفه سیاسی و ...

● ایجاد و تأسیس مراکز غیرانتفاعی برای پرورش و جذب نیروهای مجرب، ضروری است. در همین زمینه تقویت انجمن‌های موجود در این حوزه می‌تواند کمک مؤثری قلمداد شود.

● معرفی و شناساندن فلسفه سیاسی به مدیران و کارشناسان ارشد نظام، به ویژه در بخش‌های آموزش و پژوهش.

● بهره‌مندی کارگزاران نظام از قابلیت‌های فلسفه سیاسی و درک ضرورت و اهمیت فلسفه سیاسی.

● بهره‌مندی از قابلیت‌های فلسفه سیاسی در تدوین و توجیه چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه فکری و فرهنگی در سطح ملی.

● استفاده از متخصصان و صاحب‌نظران در فلسفه سیاسی در تشخیص تهدیدات پیش‌روی کشور برای تدوین و اصلاح مستمر برنامه‌ها.

● اشتغال فارغ‌التحصیلان با زمینه فلسفه سیاسی در تخصص‌ها و امور مربوط به حوزه فلسفه سیاسی.

● توسعه ارتباطات بین‌المللی و ارتقای موقعیت مباحث فلسفه سیاسی در سطح دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و تعامل با سایر مراکز علمی در این زمینه به ویژه در شناساندن دانش بومی فلسفه سیاسی.

● تأسیس مراکز آموزشی و پژوهشی فلسفه سیاسی در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترای بسط و گسترش مباحث فلسفه سیاسی در سطح کشور.

● تعریف واحد درسی، گرایش دانشگاهی، رشته دانشگاهی و دوره‌های تربیت پژوهشگر.

● طراحی و تصویب طرح رشته فلسفه سیاسی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

● ارتقای سطح کمی و کیفی علمی مراکز آموزشی و پژوهشی دولتی و غیردولتی.

● ایجاد کتابخانه‌های تخصصی به منظور دسترسی آسان‌تر و سریع‌تر دانشجویان

و محققان و استادان به منابع جدید و تکمیلی در این حوزه.

۱. «آشنایی با پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۳.
۲. «امکان و عدم امکان فلسفه سیاسی»، در گفت و گو با علیرضا صدرا، مصطفی ملکیان، حاتم قادری، داود فیرحی، محمد تقی سبحانی و...، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳.
۳. «بایستی‌های علوم سیاسی در ایران: گرایش ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی»، محمد رضا حافظ نیا و همکاران، دفتر جنبش نرم افزاری و توسعه علوم اسلامی، کارگروه علوم و اندیشه سیاسی، خرداد ۱۳۸۴.
۴. «پایان نامه‌ها در حوزه علوم سیاسی»، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، ۱۳۸۳.
۵. پایگاه اطلاع رسانی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی: www.Balagh.net
۶. پایگاه اطلاع رسانی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی: www.qabas.com.
۷. پایگاه اینترنتی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی: www.islamic-iiict.org.
۸. پایگاه اینترنتی دانشگاه مفید: www.mofidu.ac.ir.
۹. پایگاه اینترنتی مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع): www.bagher_oloum.ir.
۱۰. «پیش طرح اولیه چشم انداز راهبردی»، بلند گستر و بیست ساله گروه فلسفه سیاسی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، علیرضا صدرا، اردیبهشت ۱۳۸۴.
۱۱. «چشم انداز فلسفه سیاست در جهان معاصر»، محمدجواد غلامرضا کاشی، روزنامه ایران، ۱۴ و ۶ فروردین ۱۳۸۴.
۱۲. «حکمت سیاسی و شارحان اندیشه‌های فلسفی»، شریف لک زایی، پگاه حوزه، شماره ۱۰۱، شهریور ۱۳۸۲.
۱۳. «دفتر امور پژوهشی، آشنایی با پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی»، قم، نشر (داخلی) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۴. «دفتر ارتباطات و روابط بین الملل»، آشنایی با برنامه‌ها و فعالیت‌های موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع)، قم، نشر مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع)، ۱۳۸۳.
۱۵. «رهیافت‌های مطالعه فلسفه سیاسی معاصر در ایران» (منتشر نشده)، شریف لک زایی.

۱۶. «روابط عمومی و امور بین الملل»، دانشگاه مفید، قم، انتشارات دانشگاه مفید، بهار ۱۳۸۳.
۱۷. «روابط عمومی، آشنایی با برنامه‌ها و فعالیت‌های موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)»، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۸. فلسفه سیاسی کلاسیک اسلامی، حاتم قادری، چاپ نخست، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰.
۱۹. فهرست مراکز آموزشی و پژوهشی علوم سیاسی در ایران، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، ۱۳۸۳.
۲۰. «کارکردهای اندیشه وحدت حوزه و دانشگاه در امر آموزش»، محمد پزشکی، گاهنامه، نشریه داخلی هفتمین سمینار حوزه و دانشگاه (۳)، قم، نشر سمینار حوزه و دانشگاه، آذر ماه ۱۳۷۴.
۲۱. کارنامه پژوهشی و انتشاراتی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۹.
۲۲. کتاب‌شناسی حوزه علوم و اندیشه سیاسی، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، ۱۳۸۳.
۲۳. «کتاب‌شناسی موضوعی اندیشه سیاسی اسلام»، رجبعلی اسفندیار، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، منتشر نشده.
۲۴. «گزارشی از انجمن مطالعات سیاسی. اهداف و برنامه‌های انجمن مطالعات سیاسی حوزه». خبرنامه دبیرخانه نهضت آزاد اندیشی و تولید علم. شماره ۸، اردیبهشت ۱۳۸۴، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۵. مجلات و نشریات در حوزه علوم و اندیشه سیاسی، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، ۱۳۸۳.
۲۶. «مطالعات سیاسی و حوزه علمیه»، محمد پزشکی، مقاله منتشر نشده.
۲۷. شناسه: معرفی مراکز پژوهشی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی حوزه علمیه، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، تابستان ۱۳۸۳.
۲۸. نمایه فصلنامه علوم سیاسی از شماره ۱-۲۷، تهیه و تدوین: علی اکبری معلم، چاپ نخست، قم، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم، ۱۳۸۴.